

A Critical Examination of “Corruption on Earth” not encompassing Non-Security Crimes in Imami Jurisprudence

Mahdi Mohammadzadeh Banitarafi¹

Omid Gandomi²

(Received on: 2021-4-3; Accepted on: 2021-7-11)

Abstract

The notion of “corruption on Earth” (*ifsād fī al-arḍ*) is frequently used in the Quran without explicitly associating it with specific criminal rulings, leading to disagreements among Muslim jurists. This study critically examines the controversial issue of whether “corruption on Earth” includes non-security crimes, in addition to security crimes, drawing upon Imami jurisprudence to address objections against Article 286 of the Islamic Penal Code of Iran. The data was examined using an analytical and critical method. The findings demonstrate that, given the criminalization of “corruption on Earth” in verse 33 of Sura al-Māida as the most eminent instance of waging war against God (*muḥāraba*), and considering the opinions of Quranic exegetes on 25 verses of the Quran related to this term, “corruption on Earth” is established to encompass a broader range of offenses, including economic and cultural crimes, beyond just security crimes.

Keywords: corruption on Earth, security crimes, execution, murder.

1. Department of Teaching Islamic Doctrines, Farhangian University, Tehran, Iran.

Email: m.mohammadzadeh@cfu.ac.ir

2. Level-4, Seminary of Qom. Email: rezareza@7333@gmail.com

بررسی انتقادی عدم شمول افساد فی الارض بر جرائم غیر امنیتی در فقه امامیه

مهدی محمدزاده بنی طرفی^۱

امیدگندمی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۰]

چکیده

افساد فی الارض در قرآن کریم مکرربه کار رفته است اما به صراحت حکم جزایی خاصی در مورد آن ذکر نشده است. لذا در این خصوص میان فقها اختلاف وجود دارد. تحقیق پیش رو با موضوع بررسی انتقادی شمول افساد فی الارض بر جرائم غیر امنیتی که یکی از پرچالش‌ترین بحث‌ها در بین حقوقدانان و فقها می باشد، بحث از گستره افساد فی الارض نموده است که آیا صرفاً شامل جرائم امنیتی می شود یا جرائم غیر امنیتی را نیز شامل می شود؟ این تحقیق باهدف برطرف کردن مهمترین اشکالی که نسبت به گستره معنوی افساد به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی وارد شده است فقه امامیه به بررسی و نقد و نظر پرداخته است. روش داده پردازی به صورت تحلیلی انتقادی بوده است. یافته‌های این تحقیق بدین شرح است که باتوجه به جرم انگاری افساد فی الارض ذیل آیه ۳۳ سوره مائده و اظهر مصادیق بودن محاربه برای آن و بررسی کلام مفسرین، ذیل ۲۵ آیه قرآن کریم در معنی افساد فی الارض اثبات شده است که ظهور معنایی افساد فی الارض محدود به جرائم امنیتی نیست بلکه بسیار گسترده تر است و شامل جرائم اقتصادی، فرهنگی نیز می باشد.

واژگان کلیدی: افساد فی الارض، جرم امنیتی، اعدام، قتل

۱. گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir

۲. سطح ۴ حوزه علمیه قم Rezareza7333@gmail.com

مقدمه

عصر حاضر یکی از جرم خیزترین اعصار انسانی است که این جرائم هر کدام تحت عناوینی خاص قرار داده شده اند. اسلام نیز جرائمی برشمرده است و مجازات به خصوص آنها را در قالب حدود و بعضی از تعزیرات بیان نموده است. بعضی جرائم هستند که به حسب ظاهر تحت هیچکدام از جرائمی که در کتب فقهی واقع شده است، واقع نمی شوند مثل جرائم غیر امنیتی. در این بین بحثی بین فقها عنوان شده است که آیا افساد فی الارض باتوجه به ادله، آنقدر گستردگی و کشش معنایی دارد که یک جرائم غیر امنیتی را نیز شامل شود یا خیر؟

این تحقیق بر آن است که در قلمرو فقه امامیه به بررسی این مهم بپردازد. اهمیت این تحقیق از آن جهت است که پشته‌ای محکمی برای مواد حقوقی مربوط به افساد فی الارض می باشد و بسیاری از شبهات و اشکالات حقوق بشری ای که به این عنوان وارد شده است را حداقل در اذهان مسلمانان برطرف می کند. موضوع افساد فی الارض از زمان قدمایی مثل شیخ طوسی (ره) و ابوالصلاح حلبی (ره) معنون بوده است و پس پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین کتب حقوقی و فقهی و کرسی های تدریس درس خارج فقه بیشتر به آن پرداخته شده است.

پیشینه

برخی متون فقهی و نیز برخی قوانین به تبع قرآن کریم این دو عنوان را در کنار هم ذکر کرده اند، به گونه ای که موهم این معناست که این دو، یک جرم به شمار می روند. در مقابل برخی از فقیهان در ضمن بحث از جرائمی نظیر به آتش کشیدن منازل، تکرار قتل بردگان و غیر مسلمانان و... متعرض عنوان افساد شده و مرتکبان اعمال مزبور را به عنوان مفسد

فی الارض مستحق مجازات قتل یا قطع دانسته اند. (بای ۱۳۸۵) یکی از مصادیق مفسد فی الارض پخش کنندگان فیلم‌های مستهجن می‌باشد. (مدرسی یزدی ۱۳۷۸)

روش تحقیق

همچنین روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها به صورت اسناد نوشتاری، سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی می‌باشد. ضمناً روش داده‌پردازی به صورت تحلیلی انتقادی بوده است.

معنای لغوی افساد

خلیل بن احمد و ابن درید معتقدند که فساد، نقیض صلاح است (فراهیدی ۱۴۰۹ ق، ۲۳۱:۷). ازهری و ابن منظور نیز همین را می‌گویند و اضافه می‌کنند آیه "یسعون فی الارض فساداً" یعنی "یسعون فی الارض للفساد" یعنی "فساداً" مفعول له می‌باشد. بعضی گفتند خروج شیء از اعتدال را گویند. (ازهری ۱۴۲۱ ق، ۶۴۶:۲، ابن منظور ۱۴۰۸ ق، ۳۳۵:۳، راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ق، ۶۳۶)

معنی اصطلاحی افساد

بحث اصلی ما در معنی اصطلاحی افساد فی الارض است بدین صورت که وقتی گستره معنوی افساد فی الارض مشخص شد، معنی اصطلاحی آن نیز مشخص می‌شود. لکن در باب متعلق آن مباحثی را باید مطرح کنیم:

افساد یا به مال تعلّق می‌گیرد و یا به عمل. گاهی نیز بر محاربه و سلب امنیت و آسایش جامعه اطلاق می‌گردد.

۱. افسادی که به مال دیگری تعلّق می‌گیرد در بیشتر موارد موجب ضمان است. این نوع فساد گاه با آسیب رساندن، سوزاندن یا تلف کردن مال دیگری تحقّق می‌یابد. و گاه با انجام عملی در مال که به سبب آن مالک از تصرّفات مطلوب در مال خود محروم می‌گردد، مانند حائل قرار دادن میان مالک و مال او به گونه‌ای که مال از دسترس وی خارج گردد.

در پاره‌ای موارد، محرومیت از ناحیه حکم شارع مقدّس پدید می‌آید مانند آن که فردی انگور دیگری را به شراب تبدیل کند یا با ادرار در آب پاک، آن را نجس نماید و یا حیوان دیگری را وطی کند. نتیجه این محرومیت، عدم جواز خرید و فروش در صورت نخست، عدم جواز استفاده از آب در امور مشروط به طهارت در مورد دوم و لزوم سر بریدن، سوزاندن و دفن کردن حیوان موطوء در مثال سوم است. (خمینی ۱۴۲۱ق، ۲: ۳۴۲-۳۴۴)

۲. افسادی که به عمل تعلّق می‌گیرد - خواه عمل عبادی مانند نماز و روزه، یا معاملی همچون بیع - با اخلال به شرایط و ارکان عمل محقّق می‌شود. چنین افسادی با ابطال یکی است.

گاهی نیز افساد متعلّق به عمل به معنای از بین بردن اجر و پاداش عمل است مانند عجب پس از عمل عبادی که پاداش و ثواب آن را از بین می‌برد. (خوئی ۱۴۰۷ق، ۵: ۴۲)

۳. افساد، بر محاربه و سلب امنیت جامعه نیز اطلاق شده است، بدین جهت به فرد محارب، مفسد فی الارض (افساد کننده در زمین) گفته می‌شود. (هاشمی شاهرودی ۱۴۲۶ق، ۱: ۵۹۰)

نکته اساسی این است که منظور ما عبارت "افساد فی الارض" می‌باشد که عبارت "افساد" به عبارت "فی الارض" اضافه شده است و یک ترکیب جدید را ایجاد نموده است.

مراد از ارض

مقصود از زمین در «و یسعون فی الارض فساداً» «مکان زندگی» انسانی است که خون او محترم است، زیرا اگر مراد از زمین خصوص خشکی در مقابل دریا باشد، راهزنان دریای مشمول این آیه نمی‌شوند و چنانچه مقصود زمین در برابر فضا و هوا باشد، راهزنان هوایی و هواپیما ربایان را در بر نمی‌گیرد و اگر زمین در مقابل کرات دیگر مراد باشد، عده ای را که به آنجا راه می‌یابند و مفسد می‌شوند شامل نمی‌گردد.

بر این پایه، «فی الارض» قید غالبی است و مراد از آن، مکان زندگی انسان هاست در هر نقطه از نظام کیهانی باشد تفاوت نمی‌کند. (جوادی آملی، تسنیم ۱۳۷۸ ش، ۲۲: ۳۷۸) در نهایت محقق شاهرودی (ره) بیان داشتند که افساد فی الارض به جهت تحقق، باید مشتمل بر عملکردی از سوی فاسد باشد که در نتیجه آن عمل، زمین صلاحیت خویش را برای استقرار زندگی انسان‌ها از دست بدهد. (هاشمی شاهرودی ۱۴۲۳ ق، ۱: ۳۷۸)

جرم انگاری افساد فی الارض

قبل از اینکه وارد بحث اصلی که حول گستره معنوی و مصادیق افساد فی الارض می‌باشد وارد شویم باید این نکته را یادآور شویم که مفروض بحث ما این است که از آیه ۳۳ سوره مائده جرم انگاری افساد فی الارض برداشت و نتیجه‌گیری در مقام خودش، شده است و با این مفروض ما وارد بحث گستره معنوی می‌خواهیم شویم لکن از باب یادآوری نکاتی از آن بحث را عرض می‌کنیم.

بحثی است که مجازات چهارگانه در آیه ۳۳ سوره مائده مربوط به محارب است یا مربوط به مفسد فی الارض است یا مربوط به هر دو است؟ در این مقام فقها اختلاف دارند. استاد مومن و استاد فاضل معتقدند که افساد اعم از محاربه است و علت اصلی حکم، افساد فی الارض می‌باشد. توضیح آن است که چون مخاطبان این آیه در هر

صورت، عقلاء و عامه مردم هستند و آوردن عنوان اولی یعنی محاربه با خدا و پیامبر اگر چه برای بیان علت مجازات‌های مذکور کافی است، زیرا چه کاری است که از محاربه با خدا زشت‌تر و برای مجازات و عذاب سزاوارتر از آن باشد، اما با این وصف، عامه مردم، بزرگی این گناه را درک نمی‌کنند، ولی همین که «سعی در افساد زمین» - که در ارتکاز عقلاء جرمی است که سزاوار انواع مجازات‌های مذکور است - به دنبال آن آورده شود، مردم اقرار خواهند کرد که جرم این تبه‌کاران به حدی رسیده است که مستحق مجازات‌های یاد شده باشد. (مومن قمی ۱۴۱۵ق، ۴۰۹، فاضل موحدی لنکرانی ۱۳۹۰ش، ۳: ۳۲۱) ضمناً محقق گلپایگانی نیز معتقدند که محاربه اظهر المصادیق افساد است. (گلپایگانی ۱۳۷۲ش، ۳: ۳۱۶)

گستره معنوی افساد فی الارض

یکی از مهمترین بحث‌ها ذیل عنوان افساد فی الارض، بحث از گستره معنوی آن است. اهمیت آن بدیل دلیل است که اگر دایره آن مضیق شود خیلی از عناوین از تحت آن خارج می‌شود و مجازات مفسد فی الارض بر آن صدق نمی‌کند و کار برای ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سخت می‌شود لکن اگر گستره معنوی آن با توسعه ای که مد نظر قانون گذار بوده با استنادات فقهی به اثبات برسد این خلأ علمی حل می‌شود و شبهه ای باقی نمی‌ماند.

یکی از استنادات فقها برای اثبات جواز قتل مفسد فی الارض آیه ۳۲ سوره مائده (مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا) می‌باشد که خلاصه اش بدین شرح است:

استاد فاضل (ره) معتقد است تمام مواردی که حد قتل ثابت است از مصادیق مفسد فی الارض است؛ یعنی همان طور که آیه ی شریفه محارب را از مصادیق مفسد فی الارض

می‌داند، زنای احصائی، لواط و... نیز از مصادیق مفسد فی الأرض است؛ زیرا، قدر مسلم از محارب کسی است که به قصد ترساندن مردم و ایجاد فساد چاقو در آورد و مردم را دنبال کند. آیا این فرد مصداق مفسد فی الأرض هست ولی شخصی که مرتکب لواط، یا زنای با محارم یا زنای احصائی می‌شود مفسد نیست؟ بلکه به طریق اولی از مصادیق مفسد فی الأرض است.

شاهد این مطلب از نظرایشان این است که در مفسد فی الأرض به عنوان کلی یکی از حدود چهارگانه‌ی قتل، صلب، قطع، نفی بلد، یا به نحو تخییر یا به نحو ترتیب اجرا می‌گردد؛ اما در لواط یا زنا که فساد خاص مهمی است، فقط حدّ قتل اقامه می‌شود. همین طور در مواردی که دو حدّ یا سه حدّ (بنا بر اختلاف موارد یا مبانی) اجرا می‌شد، در مرتبه‌ی سوم یا چهارم حدش قتل بود، این هم از باب فساد فی الأرض است. کسی که یکبار شراب می‌خورد و به او حدّ می‌زنند، نمی‌توان او را مفسد فی الأرض نامید؛ اگر بار دیگر مرتکب شرب خمر شد و حدّ خورد و باز هم دست برنداشت، مرتبه‌ی دیگر و مرتبه‌ی دیگر تازیانه در او مؤثر واقع نمی‌شود، با تکرار عمل، عنوان مفسد فی الأرض بر او صادق است. (فاضل موحّدی لنکرانی ۱۳۹۰ ش، ۳: ۳۲۳)

محقق شاهرودی در ضمن اشکالاتی که نسبت به اثبات جواز قتل مفسد فی الارض به نظر استاد مومن و استاد فاضل دارند، اشکالی را در موضوع گستره معنوی افساد فی الارض، مطرح می‌کنند که از این قرار است:

ایشان بدین صورت بیان دارند که می‌توان گفت: صدق افساد در زمین متوقف بر دو امر است:

۱. اینکه جرم انجام شده، اخلال در صفت به خصوصی باشد که زمین دارد و آن عبارت است از «محل سکونت و استقرار و آسایش انسان بودن»، نه اخلال در صفتی از صفات مربوط به انسان یا جامعه. مثلاً ترویج عقاید باطل یا مجبور کردن مردم به

پذیرفتن این عقاید، به خودی خود، مصداق افساد در زمین نیست. اگر چه مصداق فساد انسان و جوامع انسانی باشد.

۲. اینکه اخلال در خصوصیت یاد شده ناشی از ظلم و تجاوز به دیگران باشد، نه اینکه انسان‌ها به اختیار و میل خود کارهایی انجام دهند که موجب اخلال در زندگی و استقرارشان در زمین شود. مثلاً اگر مرتکب کارهایی شوند که به تدریج موجب ضعف و نابودیشان گردد، این گونه کارها، مصداق افساد در زمین نیست، هر چند نتیجه آنها با افساد یکی است. بر این اساس، چنین می‌نماید که در مفهوم فساد، وجود ظلم و تجاوز اخذ شده است، صاحب قاموس المحيط، فساد را به «گرفتن مال دیگری از روی ظلم» معنا کرده است. بنابراین، معنای فساد، منحصر است به چیزی که بالذات فساد باشد یعنی به خودی خود زشت و ناپسند باشد که همان ظلم و تجاوز به دیگران است، نه هر چیزی که - هر چند از دیدگاه خاصی - گناه یا فساد شمرده شود. آنچه که ادعای اختصاص فساد به موارد ظلم و تجاوز را تقویت می‌کند، این است که می‌بینیم در دیگر آیات کریمه نیز ترکیب «فساد فی الارض» فقط در موارد تجاوز به مال و جان و مانند آن، استعمال شده است نه در موارد ارتکاب سایر گناهان کبیره، حتی در مورد گناهانی مثل کفر و شرک به خدا.

نکته‌ی مهمی که محقق شاهرودی به آن اشاره نموده است این است که اختصاص داشتن معنای فساد به مواردی که تجاوز و قتل و غارت، آشکار و مشهور و گسترده و شایع میان مردم باشد، نادرست است، بلکه تجاوز به حقوق یک نفر نیز اگر به گونه‌ای باشد که موجب اخلال در امنیت محل شود، مصداق «فساد در زمین» خواهد بود. آری در صدق عنوان «فساد در زمین» شرط است که تجاوز جنبه شخصی نداشته باشد و متوجه شخصی معین و از روی دشمنی شخصی با او نباشد، بلکه تجاوز باید متوجه همه ساکنان یک محل بوده اگر چه فقط در مورد یک نفر عملی شده باشد. اگر مراد از شیوع یا آشکارا بودن

تجاوز، عمومیت داشتن آن بدین معنا باشد، بلی چنین عمومیتی در صدق «فساد در زمین» معتبر است، زیرا در غیر از چنین حالتی، اضافه فساد به زمین، مناسبت ندارد، از این رو به ناچار فساد باید بدین معنا جنبه عمومی داشته باشد تا مصداق فساد در زمین واقع شود. (هاشمی شاهرودی ۱۴۱۹ ق، ۲۴۱)

ایشان معتقدند اشکالی که به عنوان افساد فی الارض نسبت به استدلال به آیه «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ» وارد است این است که اساساً عنوان «مفسد فی الارض» به خودی خود اطلاقی ندارد که غیر از موارد عدوان و تجاوز به جان و مال و ناموس را در بر بگیرد. بر این پایه، معنای ظاهر آیه این است که کسی نمی تواند دیگری را بکشد مگر از روی قصاص یا به جهت افساد و تجاوز آن شخص به جان و مال و ناموس.

بنابراین از نظر ایشان، آیه ظهور دارد در اینکه کشتن شخص متجاوز به ازای تجاوزش و به عنوان دفاع و دفع تجاوز او جایز است، منظور آیه بیان همین نکته است و نه بیان مجازات مفسد فی الارض. آنچه این معنا را تأیید می کند، آن است که آیه به فعل مکلفان نظر دارد و قتل بدون سبب را بر مکلفان حرام کرده است، در حالی که جایز دانستن حکم قتل به عنوان مجازات مفسدان، اگر هم درست باشد، امری نیست که به عامه مکلفان مربوط باشد، بلکه تکلیف حاکم و از مسئولیت های زمامداران است و بنابراین، آیه ربطی به محل بحث ما ندارد. (هاشمی شاهرودی ۱۴۱۹ ق، ۲۴۵)

پاسخ

بنظر ما می رسد با این بیان محقق شاهرودی بسیاری از آیات حدود مانند «السارق و السارقة فاقطعوا ایدیهما ...» که خطاب به مکلفین است نباید ربطی به مجازات داشته باشد، حال آنکه کسی از فقها این تالی فاسد را نمی پذیرد.

ضمناً بنظر می‌رسد که خطاب در آیه مذکور عام است لکن اجرای آن با حاکم شرع می‌باشد. همانطور که اجرای قصاص و صدور حکم آن با مردم نیست و توسط حاکم و قاضی انجام می‌شود، فقره دوم که اجرای حکم قتل برای افساد فی الارض است نیز توسط حاکم و قاضی صورت می‌گیرد.

در باب عدم اطلاق و عدم گستردگی معنوی افساد فی الارض و مضیق شدن دایره معنوی آن به موارد امنیتی از قبیل تجاوز و قتل و غارت و عدوان و ... مطالبی باید بیان شود.

ظهور افساد فی الارض در قرآن کریم

بحثی که در باب این ادعا باید صورت پذیرد این است که مدعی باید برای ادعای خود دلیل بیاورد که در این قسمت از بیانات محقق شاهرودی استدلالی دیده نمی‌شود.

برای بررسی معنای افساد فی الارض می‌بایست به بررسی دقیق ظهور "افساد فی الارض" پرداخت و کاوشی عمیق نمود که آیا در مجموعه آیات قرآن کریم، نسبت به معنای افساد فی الارض اقتضار به موارد امنیتی شده است یا معنی مطلق و گسترده‌ای برای آن مد نظر است؟

برای این منظور باید ذیل آیاتی که عنوان افساد فی الارض آمده است، بیان و نظرات مفسرین شیعه و سنی را دید تا به یک ظهور صحیحی نسبت به افساد فی الارض رسید.

آیه ۱۱ سوره بقره: إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: تغییر دین، عمل به معاصی، جلوگیری از ایمان آوردن مردم، تحریف قرآن (طبرسی ۱۴۰۸ ق، ۱۳۸: ۱، طبرسی ۱۴۲۸ ق، ۲۰: ۱، مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق، ۹۰: ۱)، تهییج مردم برای جنگ

افروزی و فتنه انگیزی، جاسوسی برای کفار، اظهار معاصی، اهانت به دین (حقی ۱۲۰۰ق، ۵۷:۱، کاشانی ۱۳۳۶ش، ۸۳:۱)، اختلال نظامی و هرج و مرج (موسوی خمینی ۱۴۱۸ق، ۴۳۷:۳)، تبلیغ سوء، توطئه علیه نظام اسلامی، القای شبهه در صحت دعوی وحی و نبوت و صحیح بودن دعوت به معاد و نبوت (جوادی آملی، تسنیم ۱۳۷۸ش، ۲۷۱:۲)، کفرعلنی، عمل به معاصی بر روی زمین (ماوردی بی تا، ۷۵:۱)، نشست و برخاست با منافقان، تکذیب پیامبر (فخر رازی ۱۴۲۰ق، ۳۰۶:۲)، فتنه هایی که احوال معاش و معاد مردم را به هم می ریزد. (ابی السعود بی تا، ۴۳:۱).

آیه ۲۷ سوره بقره: الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به أن یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون^۱

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از : دعوت به کفر، ترساندن مردم در راهها، راهزنی، نقض عهد، هر گناهی که ضررش متوجه دیگران باشد (طبرسی، مجمع البیان ۱۴۰۸ق)، کم فروشی، فعالیت علیه نظام اسلامی، قرار گرفتن در مقابل عقیده حق (جوادی آملی ۱۳۷۸ش)، سلب حقوق، استحکام کفر، تضعیف اسلام، القاء شبهه، جلوگیری از رفتن در راه خدا (نهادندی ۱۴۲۹ق، ۲۳۷:۱)، تمسخر حق، قطع رابطه با دیگران (قمی مشهدی بی تا، ۳۰۷:۱)، برائت از امام مفترض الطاعه، اطاعت از شخص مفترض المخالفه (مجلسی بی تا، ۳۹۰:۲۴)، دور نمودن مردم از پیامبر و قرآن (حجازی ۱۴۱۳ق، ۲۲:۱)، عبادت غیر خدا (دمهنوری ۱۳۵۰ق، ۲۰۴:۱)، ارتکاب استمراری گناه (قرطبی ۱۳۶۴ش، ۲۴۷:۱)، نشر فساد، قتل و تهدید (سبزواری ۱۴۱۹ق، ۱۱).

۱. همان کسانی که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می شکنند ورشته هایی را که خدا به پیوند آن امر کرده است می گسلند و در زمین فساد می کنند، یقیناً از زیان کارانند.

آیه ۳۰ سوره بقره: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: افعال حیوانی (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان ۱۳۷۸ ش، ۱: ۱۷۷)، ابن عربی بی تا، (۲۶: ۱)، مطلق معاصی (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق، ۱: ۹۶)، تضييع فرائض، شک در دین خدا (ایچی ۱۴۲۴ ق، ۱: ۹۸)، قتل (جوادی آملی، تسنیم ۱۳۷۸ ش، ۳: ۳۴۹).

آیه ۶۰ سوره بقره: و اذ استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل اناس مشربهم كلوا واشربوا من رزق الله ولا تعثوا في الارض مفسدين

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: امری که ظاهر و باطنش فاسد است (طبرسی، مجمع البیان ۱۴۰۸ ق، ۱: ۲۵)، مطلق فساد (جوادی آملی، تسنیم ۱۳۷۸ ش، ۴: ۶۰۵)، گسترش و ادامه برنامه های فساد انگیز (مکارم شیرازی ۱۳۸۰ ش، ۱: ۲۴۷)، طغیان (ماوردی بی تا، ۱: ۱۲۸)، ادامه نزاع بر سر بهره برداری از آب (فخر رازی ۱۴۲۰ ق، ۳: ۵۳۱)، کفر به نعمات الهی (آلوسی ۱۴۱۵ ق، ۱: ۲۷۳).

آیه ۲۰۵ سوره بقره: و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها ویهلك الحرث والنسل والله لا یحب الفساد

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: نابودی دین و مردم (قمی ۱۴۰۴ ق، ۱: ۷۱)، قتل زنان، نابودی کشاورزی، قتل هر فردی، القای شبهات، ایجاد وسوسه و نمیمه، دامداری، صنعت، نیروی انسانی (استقلال اقتصادی)، از بین بردن آرامش فکری و وحدت ملی، کشتن و سوزاندن حیوانات (طوسی

بی تا، ۱۸۱:۲، جوادى آملى، تسنیم ۱۳۷۸ ش، ۲۲۳:۱۰، ابن قتیبہ دینوری ۱۴۲۳ق، ۷۳، ابن ابی حاتم ۱۴۱۹ق، ۲:۳۶۸)

آیه ۳۲ سوره مائده: وَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: محاربه یا کفر، آزار رساندن به عموم مردم، نا امن کردن راهها (فاضل جواد ۱۳۶۵ ش، ۴:۲۱۴، ابن عربی بی تا، ۲:۵۹۲)، جنگ با خدا و رسول، ایجاد ترس و نا امنی عمومی میان مردم (طبرسی ۱۴۰۸ ق، ۳:۱۸۷)، شرک، راهزنی (فیض کاشانی ۱۴۱۵ ق، ۲:۳۰، سمرقندی ۱۴۱۶ ق، ۱:۳۸۵، ابن قتیبہ دینوری ۱۴۲۳ ق، سیواسی ۱۴۲۷ ق، ۱:۲۷۳)، زناى محصنه، بغی، هر معصیت عام الشمولی که ضررش به مردم برسد (شیخ علوان ۱۹۹۹ م، ۱:۱۹۱).

آیه ۳۳ سوره مائده: إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: اشهار سیف و اخافه سبیل (طوسی بی تا، ۳:۵۰۴)، معصیت الهی، تکذیب پیامبران، مخالفت با امر و نهی رسول الله و تلاش زیاد برای امحاء یاد پیامبر (طبرسی، مجمع البیان ۱۴۰۸ ق، ۳:۳۴۱)، قتل، اخذ اموال، غارت، تخریب و راهزنی (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق، ۱:۴۷۳، طبرانی ۲۰۰۸ م، ۲:۳۸۸)، معاصی و دعوت به عبادت غیر خداوند (سمرقندی ۱۴۱۶ ق، ۱:۴۰۴)، زنا، اهلاک حرث و نسل (الثعلبی ۱۴۲۲ م، ۴:۵۶)، تلاش خیلی زیاد برای

دفع اسلام و امحاء اسلام (واحدی ۱۴۱۵ق، ۳۲۸:۱)، ابطال اسلام و کفر به پیامبر (حموش ۱۴۲۹ق، ۱۸۰۳:۳)، انواع شر (ابن کثیر ۱۴۱۹ق، ۳۴۱:۳).

آیه ۶۴ سوره مائده: وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالَّذِينَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلُّمَا أُوْقِدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: تلاش در ترویج فساد (مکارم شیرازی ۱۳۸۰ش، ۴: ۴۵۲)، معصیت خداوند، تکذیب انبیاء، مخالفت با دستوره‌های دینی، تلاش در راه محو نمودن نام نشانه پیامبر از کتب الهی توسط یهود (طبرسی ۱۴۰۸ق، ۳: ۳۳۷)، تبلیغ آنچه خلاف دین خداست، تلاش زیاد برای امحاء یاد پیامبر (ص) (طبرسی ۱۴۲۸ق، ۱: ۳۴۱، فیض کاشانی ۱۴۱۵ق، ۲: ۵۰)، مکر و خدعه، تحریک دیگران به معصیت خداوند، غش در معامله (آل غازی ۱۳۸۲ق، ۶: ۳۴۷)، فتنه گری و اشاعه شر (حقی ۱۴۰۰ق، ۲: ۴۱۵)، ابطال اسلام از سوی یهود (قرطبی ۱۳۶۴ش، ۶: ۲۴۰).

آیه ۵۶ سوره اعراف: وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: قتل مومنین، ظلم (طوسی بی تا، ۴: ۴۲۵)، ارتکاب معصیت (طبرسی ۱۴۰۸ق، ۴: ۶۶۱)، کفر (مکارم شیرازی ۱۳۸۰ش، ۶: ۲۱۱)، شرک به خدا و مطلق معاصی (ایجی ۱۴۲۴ق، ۸: ۱۴۷، طبرانی ۲۰۰۸م، ۳: ۱۵۱، حجازی ۱۴۱۳ق، ۱: ۲۶۴، حسکانی ۱۴۱۱ق، ۱: ۹۷، نسفی ۱۴۱۶ق، ۲: ۸۴).

آیه ۷۴ سوره اعراف: **وَادْكُرُوا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ**
 مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: آشوب (طبرسی، مجمع البیان ۱۴۰۸ ق، ۹: ۱۵۷)، کفران نعمت (مکارم شیرازی ۱۳۸۰ ش، ۲: ۶۳)، معاصی (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق، ۲: ۴۶)، سمرقندی ۱۴۱۶ ق، ۱: ۵۲۹، دینوری ۱۴۲۴ ق، ۱: ۲۶۷)، مغرور شدن به اموال و اولاد (شیخ علوان ۱۹۹۹ م، ۱: ۲۵۵).

آیه ۸۵ سوره اعراف: **وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**
 مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: گناهانی که باعث سلب امنیت در اموال، اعراض و نفوس می شود مانند: راهزنی، غارت، تجاوزهای ناموسی و قتل و امثال آن (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان ۱۳۷۸ ش، ۸: ۱۳۶)، عمل به معاصی، تحلیل محرمات (طبرسی، مجمع البیان ۱۴۰۸ ق، ۴: ۶۸۹)، کفر، ظلم (فیض کاشانی ۱۴۱۵ ق، ۲: ۲۱۹)، شرک، کم فروشی (ایجی ۱۴۲۴ ق، ۸: ۱۸۶، حجازی ۱۴۱۳ ق، ۱: ۲۶۸)، غصب اموال مردم بدون رضایت آنها (طبرانی ۲۰۰۸ م، ۱۴: ۳۱۴)، سفک دماء (قرطبی ۱۳۶۴ ش، ۷: ۲۴۸).

آیه ۱۲۷ سوره اعراف: **وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُسُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْفُهُمْ قَاهِرُونَ**
 مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: تغییر دین اهل مصر (از نگاه فرعونیان)، مخالفت با فرعون (از نگاه فرعونیان) (فیض

کاشانی ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۲۷، اشکوری ۱۳۷۳ش، ۲: ۷۷، قمی مشهدی بی تا، ۵: ۱۵۳، نهاوندی ۱۳۸۶ش، ۲: ۶۴۱، یکتاپرستی (از نگاه فرعونیان) (فیضی ۱۴۱۷ق، ۲: ۳۳۸)، شورش مردم (شوکانی ۱۴۱۴ق، ۲: ۲۶۸)، تحریک مردم به عصیان فرعون (از نگاه فرعونیان) (ایجی ۱۴۲۴ق، ۹: ۱۸، فخر رازی ۱۴۲۰ق، ۳: ۱۸۲، زمخشری ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۴۲)، ایجاد تفرقه بین مردم (قرطبی ۱۳۶۴ش، ۷: ۲۶۱).

آیه ۷۳ سوره انفال: وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: تفرقه مسلمین و اتحاد کفار (فیض کاشانی ۱۴۱۵ق، ۲: ۳۱۶، جزائری ۱۳۸۸ش، ۲: ۲۸۳)، ضعیف شدن اسلام (واحدی ۱۴۱۵ق، ۱: ۵۲۷، قمی مشهدی بی تا، ۵: ۳۷۷)، ضعف ایمان (طبرسی، مجمع البیان ۱۴۰۸ق، ۴: ۸۶۴)، افتادن جوانان در مشکلات اخلاقی (حویزی ۱۴۱۵ق، ۲: ۱۷۰، سیوطی ۱۴۰۴ق، ۱: ۲۵۷)، غلبه پیدا کردن کفر (ابن عربی بی تا، ۲: ۸۸۸)، سفک دماء (سمرقندی ۱۴۱۶ق، ۲: ۳۵)، تفرقه مسلمین، ظهور شرک (ثعالبی ۱۴۱۸ق، ۳: ۱۵۹، قرطبی ۱۳۶۴ش، ۸: ۵۸)، اختلاط مسلمین با کفار در زمان ضعف اسلام و قوت کفر که باعث التحاق مسلمین به کفار می شود (فخر رازی ۱۴۲۰ق، ۱۵: ۵۱۸).

آیه ۸۵ سوره هود: وَ يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: کم فروشی که گستردگی آن باعث از بین رفتن اعتماد و در نتیجه از بین رفتن امنیت عمومی است، کشتن یا زخمی کردن مردم، ظلم مالی یا ناموسی (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان

۱۳۷۸ ش، ۵۴۴:۱۰)، سرقت، راهزنی (طبرسی، جوامع الجامع ۱۴۲۸ ق، ۱۶۱:۲)، هر چیزی که به ضرر مردم باشد (شوکانی ۱۴۱۴ ق، ۵۸۸:۲)، از بین بردن مصالح دنیا و آخرت، از بین بردن مصالح ادیان (فخر رازی ۱۴۲۰ ق، ۳۸۴:۱۸).

آیه ۱۱۶ سوره هود: فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ
مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: شرک (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق، ۳۰۱:۲)، مطلق معاصی (حجازی ۱۴۱۳ ق، ۳۷۴:۱)، کفر (ایجی ۱۴۲۴ ق، ۸۳:۱۲، طبرانی ۲۰۰۸ م، ۴۶۱:۳).

آیه ۷۳ سوره یوسف: قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ
مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: سرقت (اظهر المصادیق) (طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان ۱۳۷۸ ش، ۳۰۶:۱۱، فخر رازی ۱۴۲۰ ق، ۴۹۸:۳)، معاصی (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق، ۱۵۸:۲).

آیه ۲۵ سوره رعد: وَالَّذِينَ يَنْتَفِضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ
مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: معصیت الهی، ظلم به عباد، تخریب بلاد (طبرسی، جوامع الجامع ۱۴۲۸ ق، ۲۲۸:۲)، تهییج مردم به فتنه انگیزی (فیض کاشانی ۱۴۱۵ ق، ۶۹:۳)، افعال سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و امنیتی ای که به ضرر جامعه است (فضل الله ۱۴۱۹ ق، ۴۸:۱۳)، استفاده سلاح های کشتار جمعی، تلاش برای آلوده ساختن محیط زیست (مدرسی ۱۴۱۹ ق،

۵:۲۳۵)، کفر، شرک، دعوت به غیر خدا (حجاری ۱۴۱۳ق، ۱:۴۰۳)، ضرر رساندن به اموال و نفوس (شوکانی ۱۴۱۴ق، ۳:۹۵).

آیه ۴ سوره اسراء: وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: نقض عهد (قمی ۱۴۰۴ق، ۲:۱۴)، قتل امیرالمومنین (ع) و طعنه زدن به امام حسن (ع) (عیاشی ۱۳۸۰ق، ۲:۲۸۱)، جباریت علیه بندگان خدا (طوسی بی تا، ۲:۴۴۸)، ظلم، اخذ مال نامشروع، سفک دماء، قتل انبیاء (طبرسی ۱۴۰۸ق، ۶:۶۱۴)، معصیت و مخالفت با خدا (ایچی ۱۴۲۴ق، ۱۵:۱۶)، قتل نفوس، تخریب بلاد، غارت اموال (طبرانی ۲۰۰۸م، ۴:۹۶، ماوردی بی تا، ۳:۲۲۹)، قتل زکریا، حبس ارمیا، قتل یحیی، قصد کشتن عیسی (ع) (زمخشری ۱۴۰۷ق، ۲:۶۴۹)، عمل بر خلاف احکام تورات (فخر رازی ۱۴۲۰ق، ۲۰:۲۹۹)، تغییر و تحریف تورات (زحیلی ۱۴۱۸ق، ۲۲:۱۵).

آیه ۹۴ سوره کهف: قَالُوا يَا ذَا الْقُرْآنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: از بین بردن محصولات زراعی، قتل (عیاشی ۱۳۸۰ق، ۲:۳۴۳، حویزی ۱۴۱۵ق، ۳:۲۹۸، فیض کاشانی ۱۴۱۵ق، ۳:۲۶۲، مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ق، ۲:۶۲۱، سمرقندی ۱۴۱۶ق، ۲:۳۶۱)، تخریب بلاد، راهزنی (طوسی بی تا، ۷:۹۰)، خوردن آدمیان و حیوانات به صورت زیاد (طبرسی، مجمع البیان ۱۴۰۸ق، ۲:۳۸۰، زمخشری ۱۴۰۷ق، ۲:۷۶۴)، تخریب اموال دیگران (طبرانی ۲۰۰۸م، ۴:۱۹۲).

آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ شعراء: وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُشْرِكِينَ (۱۵۱) الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ
مفسرین ذیل این آیه فقط معاصی را مصداق فساد، بیان نمودند (طوسی بی تا، ۵۱:۸،
طبری ۱۴۱۲ق، ۶۳:۱۹، طبرانی ۲۰۰۸م، ۵۰۶:۴).

آیه ۱۸۳ سوره شعراء: وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ
مواردی که مفسرین به عنوان مصداق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند
از: معاصی (طوسی بی تا، ۵۸:۸، مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ق، ۲۷۸:۳، سمرقندی ۱۴۱۶ق،
۱۵۶:۲)، قتل، غارت، راهزنی (فیض کاشانی ۱۴۱۵ق، ۴۹:۴)، عدم توازن در سلوک اقتصادی
(فضل الله ۱۴۱۹ق، ۱۷:۱۵۵)، کم فروشی (طباطبایی ۱۳۹۳ق، ۱۵:۳۱۲).

آیه ۴۸ سوره نمل: وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ
مواردی که مفسرین به عنوان مصداق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند
عبارتند از: تکذیب صالح، گمراه کردن مردم، تلاش برای قتل پیامبر خدا، کشتن ناقه
(طبرسی، مجمع البیان ۱۴۰۸ق، ۳۵۴:۷، زحیلی ۱۴۱۸ق، ۳۱۸:۱۹)، ارتکاب معاصی
(بحرانی ۱۴۱۵ق، ۲۲۲:۴، قمی ۱۴۰۴ق، ۱۳۲:۲، طوسی بی تا، ۱۰۲:۸)، کفر، اضلال مردم
(دمهنوری ۱۳۵۰ق، ۵۴۴:۸، طبری ۱۴۱۲ق، ۱۰۸:۱۹)، پیگیری عیوب مردم و فاش
کردن آنها (قرطبی ۱۳۶۴ش، ۱۳:۲۱۶).

آیه ۸۳ سوره قصص: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَ
الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

مواردی که مفسرین به عنوان مصداق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند
از: زن بارگی (قمی ۱۴۰۴ق، ۲:۱۴۷)، معاصی (طوسی بی تا، ۱۸۲:۸)، ظلم به مردم (فیض

کاشانی ۱۴۱۵ق، ۴: ۱۰۶)، علو خواهی، معصیت، فساد خواهی (طباطبایی ۱۳۷۸ش، ۸۱: ۱۶)، فخر فروشی فرعون، اخذ مال مردم به ناحق (ایجی ۱۴۲۴ق، ۲۰: ۷۸)، صرف مال در معصیت الهی و اخذ مال از طریق نامشروع (سمرقندی ۱۴۱۶ق، ۲: ۶۲۰)، مخالفت با موسی (ع) (طبرانی ۲۰۰۸م، ۵: ۸۰)، خروج از مقتضی حدود الهی (سیوطی ۱۴۰۴ق، ۵: ۱۳۹).

آیه ۲۸ سوره ص: أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: ارتکاب معصیت (طبرسی ۱۴۰۸ق، ۸: ۷۳۸، طوسی بی تا، ۸: ۵۵۷)، شرک (طبری ۱۴۱۲ق، ۲۳: ۹۸)، کفر (سمرقندی ۱۴۱۶ق، ۳: ۱۶۵)، مسرفین (نخجوانی ۱۹۹۹م، ۲: ۲۳۲).

آیه ۲۶ سوره غافر: وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: تشکیل گروه سازمان یافته ای از مومنان به ریاست موسی (ع) (از نگاه فرعونیان)، تغییر دین، (طبرسی ۱۴۰۸ق، ۸: ۸۱۰، طباطبایی ۱۳۹۳ق، ۱۷: ۳۲۸، فخر رازی ۱۴۲۰ق، ۲۷: ۵۰۷)، درگیر شدن مومنان و کافران (از نگاه فرعونیان) (فیض کاشانی ۱۴۱۵ق، ۴: ۳۳۹)، اختلاف بین مردم، فتنه (شوکانی ۱۴۱۴ق، ۴: ۵۶۰).

آیه ۲۲ سوره محمد: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ

مواردی که مفسرین به عنوان مصادیق افساد فی الارض ذیل این آیه بیان نمودند عبارتند از: قتل، غارت، هتک ناموس (طباطبایی ۱۳۹۳ق، ۱۸: ۲۴۰)، رشوه، قطع رحم (طبرسی

۱۴۲۸ ق، ۴: ۱۲۵، حجازی ۱۴۱۳ ق، ۲: ۳۱۸)، مطلق معاصی (مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳ ق، ۴: ۴۹)، انکار کتاب خدا و احکام آن، رویگردانی از پیامبر خدا، کفر (طبری ۱۴۱۲ ق، ۲۶: ۳۵، طبرانی ۲۰۰۸ م، ۶: ۳۹).

نتیجه

باتوجه به اینکه مصادیق جرم افساد، همان فهم لغوی و عرفی از آیات و روایات افساد است، چراکه فقها برای تعیین گستره فساد چنین استدلال کرده اند و شمول واژه فساد در آیات بنابر نظر مفسرین ذیل آیات افساد، مصداق هایی فراتر از جرائم امنیتی است یک ظهور برای ما ایجاد می شود که عنوان مجرمانه افساد که یک اصطلاح و جرم شرعی است، گستره ای اعم از جرائم امنیتی را می تواند شامل شود. بنابراین کلام محقق شاهرودی صحیح نمی باشد و افساد فی الارض شامل جرائم غیرامنیتی نیز می باشد همانطور که از ظهور آیات قرآن استفاده کردیم.

فهرست منابع

- ابن ابی حاتم، عبدالله بن محمد. تفسیر القرآن العظیم. ریاض - عربستان، ۱۴۱۹ ق.
- ابن عربی، محیی الدین. تفسیر ابن عربی. بیروت - لبنان، بی تا.
- ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم. تأویل مشکل القرآن. بیروت - لبنان، ۱۴۲۳ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. تفسیر القرآن العظیم. بیروت - لبنان، ۱۴۱۹ ق.
- ابن منظور. لسان العرب. بیروت - لبنان، ۱۴۰۸ ق.
- ابی السعود، محمد بن محمد. تفسیر ابی السعود. بیروت - لبنان، بی تا.
- ازهری، محمد بن احمد. تهذیب اللغة. بیروت - لبنان، ۱۴۲۱ ق.

- اشکوری، محمد بن علی. تفسیر شریف لاهیجی. تهران-ایران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش.
- آل غازی، عبدالقادر. بیان المعانی. دمشق-سوریه: الترقی، ۱۳۸۲ ق.
- الثعلبی، احمد بن محمد. الكشف و البیان. بیروت-لبنان، ۱۴۲۲ م.
- ألوسی، محمود بن عبدالله. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. بیروت-لبنان، ۱۴۱۵ ق.
- ایچی، محمد عبدالرحمن. جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت-لبنان، ۱۴۲۴ ق.
- بای، حسینعلی. "افساد فی الارض چیست؟ مفسد فی الارض کیست؟". حقوق اسلامی، ۱۳۸۵: ۲۸.
- بحرانی، سید هاشم. البرهان فی تفسیر القرآن. قم-ایران: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۵ ق.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. تفسیر الثعالبی المسمى بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت-لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- جزائری، نعمت الله بن عبدالله. عقود المرجان. قم-ایران، ۱۳۸۸ ش.
- جوادی آملی، عبدالله. تسنیم. قم - ایران، ۱۳۷۸ ش.
- . تسنیم. قم-ایران، ۱۳۷۸ ش.
- حجازی، محمد محمود. التفسیر الواضح. بیروت-لبنان، ۱۴۱۳ ق.
- حسکانی، عبید الله بن عبدالله. شواهد التنزیل. تهران-ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- حقی، اسماعیل بن مصطفی. روح البیان. بیروت - لبنان، ۱۴۰۰ ق.
- حموش، مکی بن ابی طالب. الهدایة إلى بلوغ النهاية. شارجه-امارات، ۱۴۲۹ ق.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه عروسی. نورالثقلین. قم-ایران: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
- خمینی، روح الله. کتاب البیع. تهران-ایران، ۱۴۲۱ ق.
- خوئی، ابوالقاسم. التنقیح (الطهارة). قم-ایران، ۱۴۰۷ ق.
- دمهنوری، ابوزید. الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قاهره-مصر، ۱۳۵۰ ق.
- دینوری، عبدالله بن محمد. تفسیر ابن وهب المسمى الواضح فی تفسیر القرآن الکریم. بیروت-لبنان: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق.

- راغب اصفهانی. مفردات الفاظ القرآن. بيروت - لبنان، ١٤١٢ ق.
- زحيلي، وهبه. التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج. بيروت-لبنان: دار الفكر المعاصر، ١٤١٨ ق.
- زمخشري، محمود بن عمر. الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل في وجوه التأويل. بيروت-لبنان: دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ ق.
- سبزواری، محمد. إرشاد الأذهان إلى تفسير القرآن. بيروت-لبنان، ١٤١٩ ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد. تفسير السمرقندی. بيروت-لبنان، ١٤١٦ ق.
- سيواسی، احمد بن محمود. عيون التفاسير للفضلاء السماسير. بيروت-لبنان، ١٤٢٧ ق.
- سيوطی، جلال الدين عبد الرحمن ابن ابی بكر. الدر المنثور في التفسير بالمأثور. قم-ایران: مكتبة آيت الله المرعشي النجفي (ره)، ١٤٠٤ ق.
- شوكاني، محمد بن علی بن محمد. فتح القدير الجامع بين فني الرواية و الدراية من علم التفسير. دمشق-سوريه: دار ابن كثير، ١٤١٤ ق.
- شيخ علوان، نعمة الله بن محمود. الفواتح الإلهية و المفاتيح الغيبية. قاهره-مصر، ١٩٩٩ م.
- صدرالدين شيرازي، محمد بن ابراهيم. تفسير القرآن الكريم. قم-ایران، ١٣٦٦ ش.
- طباطبایي، محمد حسين. الميزان في تفسير القرآن. بيروت-لبنان: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٣٩٣ ق.
- . ترجمه تفسير الميزان. قم-ایران، ١٣٧٨ ش.
- طبرانی، سليمان بن احمد. التفسير الكبير. اربد-اردن، ٢٠٠٨ م.
- طبرسی، فضل بن حسن. جوامع الجامع. قم - ایران، ١٤٢٨ ق.
- . مجمع البيان. بيروت - لبنان، ١٤٠٨ ق.
- طبری، محمد بن جرير بن يزيد. جامع البيان في تفسير القرآن (تفسير الطبري). بيروت-لبنان: دارالمعرفة، ١٤١٢ ق.
- طوسی، محمد بن الحسن. التبيان في تفسير القرآن. بيروت-لبنان، بی تا.

- عیاشی، محمد بن مسعود. التفسیر. تهران-ایران: مكتبة العلمية الاسلامیة، ۱۳۸۰ق.
- فاضل جواد، جواد بن سعید. مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام. تهران-ایران، ۱۳۶۵ش.
- فاضل موحدي لنكرانی، محمد. آیین کیفری اسلام. قم-ایران: مركز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۹۰ش.
- فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الكبير. بی جا، ۱۴۲۰ق.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد. العین. قم - ایران، ۱۴۰۹ق.
- فضل الله، محمد حسین. من وحي القرآن. بیروت-لبنان: دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. تفسیر الصافی. تهران-ایران، ۱۴۱۵ق.
- فیضی، ابوالفیض بن مبارک. سواطع الإلهام في تفسیر كلام الملك العلام. بی جا: سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، ۱۴۱۷ق.
- قرطبی، محمد بن احمد. الجامع لأحكام القرآن. تهران-ایران، ۱۳۶۴ش.
- قمی مشهدی، محمد. كنز الدقائق و بحر الغرائب. بی جا، بی تا.
- قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. قم-ایران، ۱۴۰۴ق.
- کاشانی، فتح الله بن شكر الله. منهج الصادقين. تهران - ایران، ۱۳۳۶ش.
- گلپایگانی، سید محمدرضا. الدر المنضود فی احكام الحدود. قم-ایران: دار القرآن الکریم، ۱۳۷۲ش.
- ماوردی، علی بن محمد. النکت و العیون. بیروت-لبنان، بی تا.
- مجلسی، محمدباقر ابن محمدتقی. بحار الانوار لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام. بیروت-لبنان، بی تا.
- مدرسی یزدی، سید محمدرضا. ”پژوهشی در مفهوم و حکم مفسد فی الاض.“ حکومت اسلامی، ۱۳۷۸: ۱.

- مدرسی، محمدتقی. من هدی القرآن. تهران-ایران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
- مقاتل بن سلیمان. تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت-لبنان، ۱۴۲۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران-ایران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۸۰ش.

- موسوی خمینی، سید مصطفی. تفسیر القرآن الکریم. تهران - ایران، ۱۴۱۸ق.
- مومن قمی، محمد. کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة. قم-ایران: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
- نخجوانی، نعمه الله بن محمود. الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة. قاهره-مصر: الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة، ۱۹۹۹م.
- نسفی، عبدالله بن احمد. تفسیر النسفی (مدارك التنزیل و حقائق التأویل). بیروت-لبنان: دار النفائس، ۱۴۱۶ق.
- نهاوندی، محمد. نفحات الرحمن. قم-ایران، ۱۳۸۶ش.
- . نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن. قم-ایران، ۱۴۲۹ق.
- هاشمی شاهرودی، محمود. بایسته های فقه جزا. تهران - ایران، ۱۴۱۹ق.
- . فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. قم-ایران، ۱۴۲۶ق.
- . قراءات فقهیہ معاصرہ. قم - ایران، ۱۴۲۳ق.
- واحدی، علی بن احمد. الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. بیروت-لبنان، ۱۴۱۵ق.

References

- Abū al-Sa'ūd. Muḥammad b. Muḥammad. n.d. *Tafsīr Abī al-Sa'ūd*. Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Āl Ghāzī, 'Abd al-Qādir. *Bayān al-ma'ānī*. Damascus: al-Taraqī.
- Ālūsī, Maḥmūd b. 'Abd Allāh al-. 1415 AH. *Rūḥ al-ma'ānī fī tafsīr al-Qur'ān al-'aẓīm wa-l-sab' al-mathānī*. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, Manshūrāt Muḥammad 'Alī Bayḍūn.
- 'Ayyāshī, Muḥammad b. Mas'ūd al-. 1380 AH. *Al-Tafsīr*. Tehran: al-Maktabat al-'Ilmiyyat al-Islāmiyya.
- Azharī, Muḥammad b. Aḥmad al-. 1421 AH. *Tahdhīb al-lughā*. Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.

- Baḥrānī, Sayyid Hāshim al-. 1415 AH. *Al-Burhān fī tafsīr al-Qurʾān*. Qom: al-Bi'tha Institute.
- Bay, Hosseinali. 1385 Sh. "Ifsād fī al-arḍ chīst? Mufsid fī al-arḍ kīst?" *Huqūq-i Islāmī* 3, no. 9.
- Damanhūrī, Abū al-Qāsim al-. 1350 AH. *Al-Hidāya wa-l-ʿirfān fī tafsīr al-Qurʾān bi-l-Qurʾān*. Cairo: n.p.
- Dīnawarī, ʿAbd Allāh b. Muḥammad al-. 1424 AH. *Tafsīr Ibn Wahab al-musammā al-wāḍiḥ fī tafsīr al-Qurʾān al-karīm*. Beirut: Dār al-Kutub al-ʿIlmiyya.
- Fāḍil Jawād, Jawād b. Saʿīd. 1365 Sh. *Masālik al-aḥkām ilā āyāt al-aḥkām*. Tehran: Mortazavi.
- Fadlallah, Mohammad Hussein. 1419 AH. *Min waḥy al-Qurʾān*. Beirut: Dār al-Milāk.
- Fakhr al-Rāzī, Muḥammad b. ʿUmar. 1420 AH. *Al-Tafsīr al-kabīr*. N.p.
- Farāhīdī, Khalīl b. Aḥmad al-. 1409 AH. *Al-ʿAyn*. Qom: Dār al-Hijra Institute.
- Fayḍ al-Kāshānī, Muḥammad b. Shāh Murtaḍā al-. 1415 AH. *Tafsīr al-ṣāfi*. Tehran: Maktabat al-Ṣadr.
- Fayḍī, Abū al-Fayḍ b. Mubārak al-. 1417 AH. *Sawāṭiʿ al-ilhām fī tafsīr kalām al-malik al-ʿallām*. N.p.: Sayed Mortaza Ayatollahzadeh Shirazi.
- Fazel Movahedi Lankarani, Mohammad. 1390 Sh. *Āyīn-i kayfarī-yi Islām*. Qom: Jurisprudential Center of Pure Imams.
- Golpayegani, Sayed Mohammad Reza. 1372 Sh. *Al-Durr al-maḥmūd fī aḥkām al-ḥudūd*. Qom: Dār al-Qurʾān al-Karīm.
- Ḥamūsh, Makkī b. Abī Ṭālib al-. 1429 AH. *Al-Hidāya ilā bulūgh al-nihāya*. Sharjah: University of Sharjah.
- Ḥaqqī, Ismāʿīl b. Muṣṭafā al-. n.d. *Rūḥ al-bayān*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Hashemi Shahroudi, Mahmoud. 1419 AH. *Bāyistih-hāyi fiqh-i jazā*. Tehran: Mizan Publications.
- Hashemi Shahroudi, Mahmoud. 1423 AH. *Qirāʾāt fiqhiyya muʿāṣira*. Qom: Institute for the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence in accordance with Ahl al-Bayt's School of Thought.
- Hashemi Shahroudi, Mahmoud. 1426 AH. *Farhang-i fiqh-i muṭābiq-i mazhab-i Ahl-i Bayt*. Qom: Institute for the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence in accordance with Ahl al-Bayt's School of Thought.

- Haskānī, ‘Ubayd Allāh b. ‘Abd Allāh al-. 1411 AH. *Shawāhid al-tanzīl*. Iran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Hijāzī, Muḥammad Maḥmūd al-. 1413 AH. *Al-Tafsīr al-wāḍiḥ*. Beirut: Dār al-Jayl.
- Huwayzī, ‘Abd al-‘Alī b. Jum‘a al-‘Arūsī. 1415 AH. *Nūr al-thaqalayn*. Qom: Ismailian.
- Ibn Abī Ḥātam, ‘Abd Allāh b. Muḥammad. 1419 AH. *Tafsīr al-Qur’ān al-‘azīm*. Riyadh: Maktaba Nazar Mustafa al-Baz.
- Ibn ‘Arabī, Muḥyī al-Dīn. n.d. *Tafsīr Ibn ‘Arabī*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ibn Kathīr, Ismā‘īl b. ‘Umar. 1419 AH. *Tafsīr al-Qur’ān al-‘azīm*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya, Manshūrāt Muḥammad ‘Alī Bayḍūn.
- Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram. 1408 AH. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Qutayba al-Dīnawārī, ‘Abd Allāh b. Muslim. 1423 AH. *Tāwīl mushkil al-Qur’ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya, Manshūrāt Muḥammad ‘Alī Bayḍūn.
- Ījī, Muḥammad ‘Abd al-Raḥmān al-. 1424 AH. *Jāmi‘ al-bayān fī tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya, Manshūrāt Muḥammad ‘Alī Bayḍūn.
- Ishkawārī, Muḥammad b. ‘Alī al-. 1373 Sh. *Tafsīr Sharīf Lāhijī*. Tehran: Dad Publications.
- Javadi Amoli, Abdollah. 1378 Sh. *Tasnīm*. Qom: Esra.
- Jazā’irī, Ni‘mat Allāh b. ‘Abd Allāh al-. 1388 Sh. *Uqūd al-marjān*. Qom: Noor-e Vahy.
- Kāshānī, Faṭḥ Allāh b. Shukr Allāh. 1336 Sh. *Manhaj al-ṣādiqīn*. Tehran: Islamiyya Bookstore.
- Khoei, Abu al-Qasim. 1407 AH. *Al-Ṭahāra*. Qom: n.p.
- Khomeini, Ruhollah. 1421 AH. *Kitāb al-bay‘*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Taqī al-. n.d. *Biḥār al-anwār li-durar akhbār al-‘aimmat al-aṭḥār ‘alayhim al-salām*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1380 Sh. *Tafsīr-i nimūnih*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Māwirdī, ‘Alī b. Muḥammad al-. n.d. *Al-Nukat wa-l-‘uyūn*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya, Manshūrāt Muḥammad ‘Alī Bayḍūn.
- Modarresi Yazdi, Seyed Mohammad Reza. 1387 Sh. “Pazhūhishī dar mafhūm va ḥukm-i muḥsid fī al-arḍ.” *Ḥukūmat-i Islāmī* 13, no. 1: 5-38.
- Modarresi, Mohammad Taghi. 1419 AH. *Min hudā al-Qur’ān*. Tehran: Dār Muḥibbī al-Ḥusayn.

- Momen Ghomi, Mohammad. 1415 AH. *Kalimāt sadīda fī masā'il jadīda*. Qom: Islamic Publishing Institute affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Mousavi Hamadani, Sayyed Mohammad Bagher. 1378 AH. *Tarjumiḥ-yi tafsīr al-mīzān*. Qom: Islamic Publishing Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Mousavi Khomeini, Seyed Mostafa. 1418 AH. *Tafsīr al-Qur'ān al-karīm*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Muqātil b. Sulaymān. 1423 AH. *Tafsīr Muqātil b. Sulaymān*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Nahāwandī, Muḥammad al-. 1386 Sh. *Nafaḥāt al-raḥmān*. Qom: Besat Foundation.
- Nakhjawānī, Ni'mat Allāh b. Maḥmūd al-. 1999. *Al-Fawātiḥ al-ilāhiyya wa-l-mafātiḥ al-ghaybiyya*. Cairo: Dār Rikābī li-l-Nashr.
- Nasafī, 'Abd Allāh b. Aḥmad al-. 1416 AH. *Madārik al-tanzīl wa-ḥaqā'iq al-tawīl (Tafsīr al-Nasafī)*. Beirut: Dār al-Nafā'is.
- Qummī al-Mashhadī, Muḥammad al-. n.d. *Kanz al-daqa'iq wa-baḥr al-gharā'ib*. N.p.
- Qummī, 'Alī b. Ibrāhīm al-. 1404 AH. Qom: Dār al-Kitāb.
- Qurṭubī, Muḥammad b. Aḥmad al-. 1364 Sh. *Al-Jāmi' li-aḥkām al-Qur'ān*. Tehran: Nasser Khosro.
- Rāghib al-Iṣfahānī, Abū al-Qāsim al-Ḥusayn al-. 1412 AH. *Mufradāt al-fāz al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Shāmiyya.
- Sabzawārī, Muḥammad al-. 1419 AH. *Irshād al-adhhān ilā tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-Ta'āruf li-l-Maṭbū'āt.
- Ṣadr al-Dīn al-Shīrāzī, Muḥammad b. Ibrāhīm. 1366 Sh. *Tafsīr al-Qur'ān al-karīm*. Qom: Bidar Publications.
- Shawkānī, Muḥammad b. 'Alī b. Muḥammad al-. 1414 AH. *Faḥ al-qadīr al-jāmi' bayn fannay al-riwāya wa-l-dirāya min 'ilm al-tafsīr*. Damascus: Dār Ibn Kathīr.
- Shaykh 'Alwān, Ni'mat Allāh b. Maḥmūd. 1999. *Al-Fawātiḥ al-ilāhiyya wa-l-mafātiḥ al-ghaybiyya*. Cairo: Dār Rikābī li-l-Nashr.
- Sīwāsī, Aḥmad b. Maḥmūd al-. 1427 AH. *'Uyūn al-tafsīr li-l-fuḍalā' al-samāsīr*. Beirut: Dār Ṣādir.
- Suyūṭī, Jalāl al-Dīn 'Abd al-Raḥmān b. Abī Bakr al-. 1404 AH. *Al-Durr al-manthūr fī al-tafsīr bi-l-māthūr*. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.

- Ṭabarānī, Sulaymān b. Aḥmad al-. 2008. *Al-Tafsīr al-kabīr*. Irbid, Jordan: Dār al-Kitāb al-Thiqāfī.
- Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr b. Yazīd al-. 1412 AH. *Jāmi‘ al-bayān fī tafsīr al-Qur’ān (Tafsīr al-Ṭabarī)*. Beirut: Dār al-Ma‘rifā.
- Ṭabāṭabā‘ī, Muḥammad Ḥusayn. 1393 AH. *Al-Mizān fī tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Mu‘asasat al-‘Alamī li-l-Maṭbū‘āt.
- Ṭabrisī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1408. *Majma‘ al-bayān*. Beirut: Dār al-Ma‘rifā.
- Ṭabrisī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1428 AH. *Jawāmi‘ al-jāmi‘*. Qom: Managerial Center of the Seminary of Qom.
- Tha‘ālibī, ‘Abd al-Raḥmān b. Muḥammad al-. 1418 AH. *Tafsīr al-Tha‘ālibī al-musammā bi-l-Jawāhir al-ḥisān fī tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Tha‘labī, Aḥmad b. Muḥammad. 1422 AH. *Al-Kashf wa-l-bayān*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. n.d. *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur’ān*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Wāḥidī, ‘Alī b. Aḥmad al-. 1415 AH. *Al-Wajīz fī tafsīr al-kitāb al-‘azīz*. Beirut: Dār al-Qalam.
- Zamakhsharī, Maḥmūd b. ‘Umar al-. 1407 AH. *Al-Kashshāf ‘an ḥaqā’iq ghawāmiḍ al-tanzīl wa-‘uyūn al-aqāwīl fī wujūh al-tāwīl fī wujūh al-tāwīl*. Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.
- Zuḥaylī, Wahba al-. 1418 AH. *Al-Tafsīr al-munīr fī al-‘aqīda wa-l-sharī‘a wa-l-manhaj*. Beirut: Dār al-Fikr al-Mu‘āṣir.